

دانشگاه فرهنگیان
دوفصلنامه علمی
نظریه و عمل در تربیت معلمان
سال هشتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

واکاوی ادراکات دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل حرفه‌ی معلمی در نظام آموزش و پرورش

محمود محمدی^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی ادراکات دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل و مشکلات حرفه‌ی معلمی در نظام آموزش و پرورش است. درک و فهم دانش‌آموختگان از مسائل و مشکلات حرفه‌ی معلمی بر عملکرد حرفه‌ای و شغلی آنها اثر می‌گذارد. روش پژوهش در این مقاله روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. جامعه‌ی آماری مطالعه‌شده دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان البرز در سال ۱۴۰۱ هستند. نمونه‌ها براساس نمونه‌گیری هدفدار از ۱۹ نفر از دانش‌آموختگان در سال ۱۴۰۱ انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها براساس اصل اشباع نظری تعیین شد. روش جمع‌آوری اطلاعات، روش مصاحبه‌ی ساختارنیافته و روش تحلیل اطلاعات، روش تحلیل مضمون است. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های دانش‌آموختگان از مسائل حرفه‌ی معلمی به کدگذاری روایت‌های دانش‌آموختگان از مسائل حرفه‌ی معلمی پرداخته شد. درنهایت کدهای استخراج‌شده در ۴ مضمون اصلی مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱

۱. استادیار جامعه‌شناسی گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان البرز (نویسنده مسؤول)

mmohammadi87@yahoo.com

آموزشی و مسائل روانی دسته‌بندی شدند. بی‌توجهی به مشکلات حرفه‌ی معلمی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان به کاهش انگیزه و علاقه‌مندی آنان به حرفه‌ی معلمی منجر می‌شود و به تدریج زمینه‌های خروج آنان از حرفه‌ی معلمی را فراهم می‌کند. **کلید واژه‌ها:** مسائل، حرفه‌ی معلمی، دانش‌آموختگان، دانشگاه فرهنگیان، پدیدارشناسی.

۱- مقدمه

معلمان در جایگاه ایفاگران جامعه‌پذیری نسل‌های آینده، نقش مهمی در حفظ و ثبات نظام اجتماعی برعهده دارند (دورکیم، ۱۳۷۶). همچنین معلمان می‌توانند یکی از عواملان تغییر و تحول اجتماعی در جامعه محسوب شوند (ژیرو، ۱۹۸۵). معلم همچنین مهم‌ترین عنصر آموزشی در نظام تعلیم و تربیت رسمی است. بدون توجه به نقش معلم در نظام تعلیم و تربیت هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی به شکست منجر خواهد شد (رئوف، ۱۳۷۹). از آنجا که کیفیت آموزش و پرورش هر کشور به کیفیت معلمان آن وابسته است و به قول ژاپنی‌ها شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه‌ی شایستگی معلمان آن است، ضرورت دارد مسئولان آموزشی کشورها به انتخاب، استخدام و تربیت معلمان و حفظ و نگاه‌داشت آنها توجه خاص مبذول داشته و آن را کانون فعالیت‌های توسعه‌ای خویش قرار دهند (دهقان، ۱۳۷۶: ۸). باتوجه به اینکه یکی از اهداف عملیاتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب و تربیت و نگاه‌داشت معلمان در آموزش و پرورش است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)؛ به همان میزان که بر شیوه‌ی جذب دانشجو و تربیت و آموزش آنها توجه می‌شود، بایستی حفظ و نگاه‌داشت و ارتقای این نیروهای انسانی نیز اساس توجه قرار گیرد. یکی از عوامل مهم در حفظ و نگاه‌داشت معلمان در نظام تعلیم و تربیت، شناسایی مسائل و مشکلات و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت تقلیل یا رفع مسائلی است که معلمان در حرفه‌ی معلمی با آن مواجهند. معلمان همچون حرفه‌های دیگر با مسائل و مشکلات خاصی در محیط شغلی، اجتماعی و اقتصادی خود مواجهند. توجه نکردن به مسائل و مشکلاتی که معلمان در حرفه‌ی معلمی با آن روبرو هستند، موجب بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی معلمان

می‌شود و نتیجه آن ناکارآمدی نظام تعلیم و تربیت و پیامدهای حاصل از آن خواهد بود. برخی از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که تدریس و آموزش (معلمی) همان‌طور که لذت‌بخش و هیجان‌انگیز است، به همان میزان حرفه‌ای همواره پرحمت و توان‌فرسا و گاهی اوقات دلخراش و تأثرانگیز است (اینگلوالسون و تامسون، ۲۰۰۷). شغل معلمی و تدریس از جمله شغل‌های پرتنش و اضطراب است و همین اضطراب و تشویش حاکم بر کار تدریس موجب فرسایش یا فرسودگی معلمان می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). بی‌توجهی به مسائل و مشکلات معلمان، سبب ماندگاری بدون انگیزه آنان در این حرفه می‌شود. ماندگاری بدون انگیزه به تدریج به عدم تمایل در ماندگاری در حرفه معلمی منجر می‌شود و موجب ریزش مهاجرت و انتقال و جابجایی از حرفه معلمی می‌شود (اینگرسول، ۲۰۰۱) تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهد میانگین عدم تمایل به ماندگاری معلمان ۴۳ درصد به‌طور عام و در میان معلمان‌انی که از مدارک تحصیلی بالاتر (کارشناسی ارشد و دکتری) برخوردارند، بیش از ۸۰ درصد است؛ به‌طوری‌که عدم توجه به این مسئله آسیب‌های جدی بر پیکره آموزش و پرورش وارد آورده است (ابراهیمی ۱۳۹۷: ۱۲۳).

شناخت و بررسی مسائل حرفه معلمی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا دانش‌جو معلمان‌انی که به‌تازگی وارد نظام تعلیم و تربیت می‌شوند، سال‌های زیادی را به‌عنوان معلم ایفای نقش خواهند کرد. رومانو و گیسیون (۲۰۰۶) معتقدند وقتی معلمان تازه‌کار در عمل تربیتی خود با مسائلی مواجه می‌شوند، اگر نتوانند از عهده حل آن برآیند، دچار اضطراب شده و این امر موجب نارضایتی آنها از حرفه معلمی می‌شود. روچکیند، اوت، ایمروار، دابل و جانسون (۲۰۰۷) گفته‌اند معلمان در ابتدا با شور و حرارت و با ایدئال‌گرایی وارد این حرفه می‌شوند، اما تعداد زیادی از آنها دغدغه‌هایی درباره وظایف اولیه تدریس خویش دارند و مسائلی از قبیل نبود پشتیبانی مدیران و مسائل انضباطی دانش‌آموزان را به‌عنوان مشکل اصلی خود مطرح می‌کنند. یافته‌های محمدپور و همکاران (۱۳۹۸) مؤید آن است که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با علاقه‌مندی وارد دانشگاه فرهنگیان می‌شوند و علاقه‌مندی آنان به حرفه معلمی بالاتر از حد متوسط و این علاقه‌مندی در ورودی‌های جدید رو به افزایش است. اگرچه داوطلبان شغل معلمی در ابتدا به دلایلی

همچون امنیت شغلی، محیط امن و سالم برای کارکردن، داشتن حقوق حداقلی و بیمه و معافیت از سربازی، جذب دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، اما در ترم‌های پایانی (سال سوم و چهارم) زمانی که در دوره‌های کارورزی دانشگاه شرکت می‌کنند و با ورود به مدارس و تجربه مستقیم معلمی از نزدیک با چالش‌ها و مسائل شغل معلمی آشنا می‌شوند، دیدگاه و ادراکات آنها نسبت به حرفه معلمی تغییر پیدا می‌کند (خدادوست ۱۳۹۹: ۱۰). مواجهه با این مسائل و چالش‌های معلمی بر علاقه‌مندی معلمان به حرفه معلمی تأثیرگذار است. مسائل و مشکلاتی که دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از شغل معلمی برمی‌شمارند، ممکن است آنها را دچار اضطراب و استرس می‌کند و نوعی نارضایتی و بی‌انگیزگی شغلی را به همراه داشته باشد. توجه نکردن به این مسائل باعث کاهش انگیزه و علاقه آنها به حرفه معلمی می‌شود و تعلق و تعهد سازمانی در معلمان را کاهش خواهد داد و در نهایت به تدریج باعث خروج این نیروها از نظام تعلیم و تربیت منتهی شود. بنابراین شناخت و بررسی مسائل و مشکلاتی که دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در حرفه معلمی با آن مواجه می‌شوند، یکی از ضرورت‌هایی است که بایستی مورد توجه و رصد مدیران و سیاست‌گذاران تربیت معلم قرار گیرد. بدین ترتیب مسئله اصلی این مقاله ادراک دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل حرفه معلمی است و بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان چه ادراکاتی از مسائل معلمی دارند؟

۲- پیشینه پژوهش

درباره مسائل و مشکلات حرفه معلمی در نظام تعلیم و تربیت پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. در این بخش به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود و در ادامه تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین بیان می‌شود. نتایج تحقیق رضایی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که در نظام آموزشی ایران، معلمان در حرفه معلمی با مسائلی همچون: استفاده از مواد و تجهیزات کمک آموزشی، کاربرد روش‌ها و فنون تدریس، ارتباط با دانش‌آموزان، آشنایی با مدرسه و روابط کاری، سنجش و ارزشیابی تحصیلی دانش‌آموزان، اصلاح و بهبود یادگیری، مدیریت کلاس درس مواجه

بوده‌اند. برخی از این مسائل می‌تواند عملکرد حرفه‌ای و شغلی معلمان را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر مسائل سازمانی و آموزشی، معیدفر و ذهانی (۱۳۸۴) در تحقیق‌شان نشان می‌دهند که حقوق و مزایای ناکافی حرفه معلمی در ایران موجب شده‌است معلمان در رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و خانواده با مشکلاتی مواجه شوند و این مسئله موجب احساس محرومیت و نارضایتی شغلی آنها شود. نتایج تحقیق مهدیان و همکاران (۱۳۹۸) نیز گویای این است که پایین بودن حقوق و مزایا و تغییر جایگاه و منزلت معلمان در نزد خانواده‌ها و جامعه، موجب شده منزلت اجتماعی معلمان نسبت به گذشته کاهش یابد و اکثر معلمان از جایگاه و منزلت اجتماعی خود ناراضی باشند. این وضعیت باعث می‌شود تمایل به کار مولد و تعلق حرفه‌ای به شدت در میان معلمان کاهش پیدا کند و ضمن بروز بی‌انگیزگی و کم‌کاری و خستگی مفرط، تمایل به خروج از حرفه معلمی و بروز احساس پشیمانی از انتخاب این حرفه را سبب شده‌است. شریف و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله واکاوی مسائل شغلی معلمان برخی از مسائل و مشکلات حرفه‌ای و اجتماعی و اقتصادی شناسایی شده معلمان آموزش و پرورش را اینگونه برمی‌شمارد: کمبود حقوق مزایا و امکانات رفاهی، جو سازمانی نامناسب و روابط حاکم بر آن، کاهش علایق و ترجیحات دانش‌آموزان به فرایند یادگیری، شرایط نامناسب محیط کاری، دخالت‌ها و تحکم‌های مدیریتی، تنزل شأن و جایگاه معلم و فراهم نبودن زمینه پیشرفت و بالندگی تحصیلی و شغلی است. وجود چنین مسائلی در حرفه معلمی و نیز مسائل اقتصادی و اجتماعی‌گریبانگیر معلمان، بر نارضایتی شغلی آنان می‌افزاید. پیامد چنین نارضایتی‌هایی در معلمان کاهش انگیزه و اشتیاق به معلمی، عدم احساس تعلق و تعهد سازمانی و تقاضا برای خروج از نظام تعلیم و تربیت یا انتقال به پست‌های اداری و سازمانی است. نتایج تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مورد نومعلمان نشان می‌دهد که معلمان در سال‌های ابتدای خدمت دارای علاقه شغلی فراوان، مطالعه زیاد، نگرش مثبت به شغل معلمی، انگیزه زیاد احساس مسئولیت و تعهد شغلی زیادی بودند؛ اما متأسفانه در سال‌های اخیر سطح عادت‌واره نهادی آنها در میدان آموزش کاهش یافته‌است؛ به طوری که امروزه معلمان انگیزه زیادی برای تدریس و حضور در

مدرسه ندارند، از معلمی و فضای آموزشی دلسرد شده‌اند، همانند گذشته به داشتن شغل معلمی افتخار نمی‌کنند، تعهد شغلی آنها کاهش یافته‌است، به همان معلومات و دانش قبلی خود بسنده می‌کنند و از علوم روز و دانش نوین عقب می‌مانند و در راستای به‌روز کردن دانش خود نیز رغبت و تلاش فراوانی ندارند.

این پژوهش تلاش کرده‌است به شناسایی مسائل حرفه‌ی معلمی از دیدگاه نومعلمان دانشگاه فرهنگیان پردازد. تحقیقات پیشین اغلب به بررسی مسائل و مشکلات معلمی از دیدگاه معلمان شاغل پرداخته‌اند، اما این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین به بررسی مسائل حرفه‌ی معلمی از دیدگاه دانشجو معلمان می‌پردازد که به تازگی فارغ‌التحصیل شده و سال اول خدمت معلمی آنها در نظام تعلیم و تربیت است. این نومعلمان سالیان درازی در این حرفه مشغول به خدمت خواهند بود. بی‌توجهی به مسائل و مشکلاتی که آنها در حرفه‌ی معلمی مطرح می‌کنند می‌تواند بر عملکرد حرفه‌ای آنها در مدرسه و نظام تعلیم و تربیت تأثیرگذار باشد. بنابراین شناسایی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت تقلیل و رفع مسائلی که این نومعلمان مطرح می‌سازند یکی از ضرورت‌هایی است که وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان باید در جهت آموزش و نگه‌داشت این معلمان اجرا کند.

۳- روش پژوهش

جامعه آماری مورد پژوهش در این مقاله دانش‌آموختگان سال ۱۴۰۱ یا به عبارت دیگر ورودی‌های ۱۳۹۷ به دانشگاه فرهنگیان البرز هستند. نمونه‌گیری براساس نمونه‌گیری هدفدار از ۱۹ نفر از دانش‌آموختگان دختر و پسر دانشگاه انتخاب شدند. همه نمونه‌های انتخاب‌شده جزو دانش‌آموختگان سال ۱۴۰۱ دانشگاه فرهنگیان البرز بودند. تعداد نمونه‌ها نیز براساس اصل اشباع نظری (استروس و کوربین، ۱۹۹۰)، تعیین شدند؛ یعنی تا زمانی که روایت‌های دانشجویان از مسائل معلمی به تکرار نرسیده بود، جمع‌آوری داده‌ها ادامه یافت. بر این اساس نظرات و دیدگاه‌های ۱۹ نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل معلمی جمع‌آوری شد.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع روش‌های کیفی^۱ با رویکرد پدیدارشناسی^۲ است. رویکرد پدیدارشناسی مناسب‌ترین روش بررسی ادراکات و تجربیات زیسته افراد محسوب می‌شود (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۱). روش پدیدارشناسی عموماً با ادراک، نگرش و عقاید و احساسات و عواطف افراد درباره یک موضوع سروکار دارد (بودلایی، ۱۳۹۸). روش جمع‌آوری داده‌ها روش مصاحبه نیمه‌ساختمند است. در رویکرد پدیدارشناسی معمولاً با نتایج مصاحبه‌های نیمه‌ساختی کار می‌کنند. از آنجا که پژوهش کیفی می‌کوشد محقق را به درون جهان زندگی مشارکت‌کنندگان تحقیق وارد سازد، مصاحبه‌های نیمه‌ساختی به واسطه تأکید بر سؤالات باز و غیرهدایت‌شده می‌تواند مورد استفاده چنین پژوهشی قرار گیرد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۱۷۱)

در مصاحبه‌ها از دانش‌آموختگان خواسته شد که دیدگاه و نظراتشان راجع به مسائل حرفه معلمی بیان کنند. مصاحبه با هر کدام از دانش‌آموختگان در حدود ۱۰ الی ۱۵ دقیقه انجام شد. دانش‌آموختگان در طول مصاحبه به بیان ادراکات، نظرات، احساسات و دیدگاه‌های خودشان از مسائل معلمی پرداخته‌اند. برای آنکه مصاحبه در یک چارچوب مشخص پیش برود، سه سؤال کلی از نمونه‌ها پرسیده می‌شد:

۱- حرفه معلمی را چگونه توصیف می‌کنید؟

۲- امروزه حرفه معلمی با چه مسائلی و مشکلاتی روبروست؟

۳- فکر می‌کنید شما در حرفه معلمی با چه مسائلی و مشکلاتی مواجه شوید؟

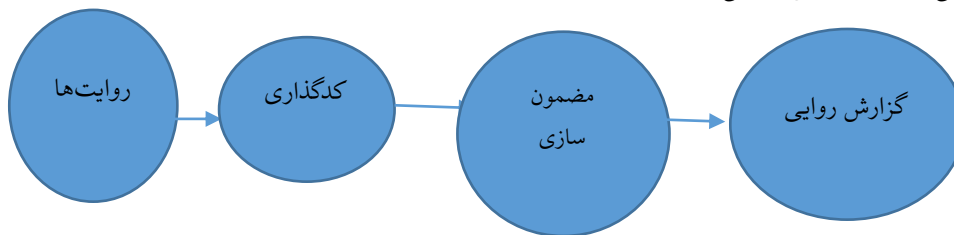
در طول مصاحبه محقق دخالت کمتری در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان از مسائل معلمی داشت و مصاحبه با پاسخگویان در چارچوب پرسش‌های طرح‌شده و مسائل معلمی انجام شد. پس از آنکه محقق متوجه شد، روایت‌ها و پاسخ‌ها به تکرار رسیده‌است، یعنی ادامه مصاحبه با نمونه‌ها دیگر نکته و مطلب جدیدی به مصاحبه‌های قبلی نمی‌افزاید، مصاحبه‌ها را متوقف و فرایند جمع‌آوری داده‌ها تمام کرد.

پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، مصاحبه‌های انجام‌شده به متن‌های نوشتاری تبدیل شدند و فرایند کدگذاری داده‌ها آغاز شد. روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون^۳

-
1. Qualitative Research
 2. Phenomenological approach
 3. Theme Analysis

است. روش تحلیل مضمون بر فرایند شناسایی و کدگذاری الگوهای مختلف معنایی تأکید می‌کند. به بیان ساده‌تر روش تحلیل مضمون، شناسایی، تحلیل و گزارش کردن الگوهاست. با این حال روش تحلیل مضمون نه به‌عنوان یک روش مستقل، بلکه به‌عنوان یک تکنیک تحلیل داده‌هاست. بنابراین دریافت الگوهای معنایی مسلط در داده‌ها هدف اصلی این روش پژوهش است (ذکایی، ۱۳۹۹: ۸۶)؛ همان‌گونه که یک محقق کمی از ضرایب و آزمون‌های آماری برای فشردن و ارائه خلاصه داده‌ها استفاده می‌کند، در روش کیفی نیز این روند به‌کمک کدگذاری و مقوله‌سازی صورت می‌گیرد. فرایند فشردن داده‌ها به معنای استخراج ایده‌های اصلی و الگوبندی آنهاست.

تکنیک تحلیل مضمون با کدگذاری^۱ مصاحبه‌های پیاده‌شده آغاز می‌شود. کدگذاری به خرد کردن متن‌های مصاحبه به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن است (استروس و کوربین، ۱۳۹۳: ۶۱). کدآ به مفاهیم اصطلاحات و عبارتهایی گفته می‌شود که دانش‌آموختگان برای توصیف موضوع مورد پژوهش به کار برده شده‌اند. بدین ترتیب پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، روایت‌های دانش‌آموختگان از مسائل معلمی کدگذاری شد. پس از کدگذاری متن‌های مصاحبه در چهار مضمون مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل روانی و مسائل آموزشی دسته‌بندی شدند. درنهایت گزارشی روایی براساس مضامین اصلی ارائه شده‌است. بر این اساس می‌توان فرایند تحلیل داده را بدین شکل نشان داد.



-
1. Coding
 2. Code

لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) در پژوهش‌های کیفی معیارهای چون اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تأییدپذیری^۵ را به‌جای روایی^۶، پایایی^۷ و عینیت^۸ پیشنهاد می‌کنند (به نقل از فیلیک، ۴۲۰:۱۳۹۳). به‌منظور اعتمادپذیری، باورپذیری و انتقال‌پذیری مضامین و کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌های نمونه‌ها، از ۴ نفر از دانش‌آموختگان دیگر دانشگاه کمک گرفته شد. آنان پس از مرور کدها و مضامین استخراج‌شده، گفتند که مضامین و کدهای استخراج‌شده به‌نوعی گویای دیدگاه و نظرات آنان از مسائل معلمی نیز هستند. همچنین به‌منظور اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری کدها و مضامین استخراج‌شده و فرایند تحلیل داده‌ها از نظرات دو متخصص تربیتی و اجتماعی بهره‌برده شد. کدهای مضامین و فرایند تحلیل داده‌ها مورد پذیرش متخصصان تربیتی و اجتماعی گرفت. متخصصان تربیتی و اجتماعی بیان داشتند فرایند تحلیل داده‌ها توانسته‌است، تصویر و نمایش نسبتاً روشن و دقیقی از مسائل و مشکلات معلمی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه ارائه دهد.

۴- تحلیل یافته‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های گردآوری‌شده به متن‌های نوشتاری تبدیل شدند و پس از پالایش متن‌ها به شماره‌گذاری روایت‌ها و استخراج کدها اقدام شد. کد، اصطلاحات و عباراتی بودند که دانش‌آموختگان برای ارائه دیدگاه و نظراتش راجع به مسائل و مشکلات معلمی بیان داشته‌اند؛ سپس کدهای استخراج‌شده در ۴ مضمون مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل روانی و مسائل آموزشی دسته‌بندی شدند. در جدول زیر مضامین و کدهای استخراج‌شده آورده شده‌است.

-
1. Trustworthiness
 2. Credibility
 3. Transferability
 4. Dependability
 5. Confirmability
 6. Validity
 7. Reliability
 8. Objectivity

۱ - جدول کدها و مضامین

کدها	مضامین	مضمون اصلی
درآمد و حقوق پایین	مسائل اقتصادی	مسائل معلمی
نداشتن مزایا و تسهیلات مناسب		
بیمهٔ ناکارآمد		
مشکلات معیشت		
تنزل جایگاه و منزلت اجتماعی	مسائل اجتماعی	
تصور نامطلوب جامعه		
بی‌توجهی خانواده‌ها		
عدم حمایت اجتماعی		
قضایات‌های ناعادلانه اجتماعی	مسائل روانی	
اضطراب و استرس		
فشار روانی		
دلهره و نگرانی		
خستگی روحی و روانی	مسائل آموزشی	
کمبود امکانات آموزشی		
محدودیت ارتقای شغلی		
ناتوانی در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان		
تدریس درس‌های غیر تخصصی		
مشکلات تحصیلی و عاطفی دانش‌آموزان		
کمبود زمان		
نداشتن تجربه و مهارت معلمی		

۱-۴- مسائل اقتصادی: مهم‌ترین و پرتکرارترین مسئله‌ای که دانش‌آموختگان و به‌خصوص دانش‌آموختگان پسر به آن اشاره داشته‌اند، مسائل اقتصادی شغل معلمی است. آنها مسائل اقتصادی حرفهٔ معلمی را با این مفاهیم بیان داشته‌اند: حقوق و درآمد پایین، مشکلات مالی و معیشتی، نداشتن مزایا و تسهیلات مناسب، بیمهٔ ناکارآمد و مشکلات مالی.

برای مثال پاسخگوی شمارهٔ ۱۸ دربارهٔ ناکافی بودن حقوق و درآمد کم معلمی اظهار می‌دارد: «معلمی حقوق بسیار پایینی دارد و هزینه‌های بالای زندگی و ناکافی

بودن حقوق معلمی برای تأمین حداقل زندگی سبب حس ناخشنودی می‌شود و باعث می‌شود معلمان آن کارکرد واقعی معلمی را نتوانند از خودشان نشان دهند». نمونه شماره ۱۲ درباره مشکلات مالی معلمان این‌گونه بیان می‌دارد: «قبل از اینکه به دانشگاه فرهنگیان ورود پیدا کنم؛ یعنی دوران دبیرستان و کنکور و... شنیده بودم معلمان مشکلاتی به خصوص مشکلات مالی دارند، ولی مثل امروز این مشکلات را درک و لمس نکرده بودم و هم اکنون به‌طور کامل از مشکلات معلمی آگاه شده‌ام». نمونه شماره ۱۱ درباره مشکلات معیشتی معلمی چنین بیان می‌کند: «بیشترین آسیبی که در زمان حاضر معلمان با آن روبه‌رو هستند، مشکلات اقتصادی و معیشتی است چگونه می‌توان معلمی خوب بود و از رسیدن به آرزوها و آرمان سخن گفت؛ ولی نتوان به خواسته‌های خود و خانواده پاسخ داد». در مورد داشتن مزایا و تسهیلات مناسب نیز نمونه شماره ۱۰ این‌چنین اظهار می‌کند: «حقوق و مزایایی که برای یک معلم به‌عنوان کسی که با انسان‌ها در ارتباط است و قرار است انسان‌هایی را برای آینده جامعه آموزش دهد واقعاً به‌اندازه سمت و جایگاه و مسئولیتی که او دارد نیست و خیلی از معلمان با مشکلات مالی زیادی همراه هستند» و نمونه شماره ۶ نیز عنوان می‌کند «به نظرم از جمله مشکلاتی که رشته معلمی دارد، مقدار پایین حقوق آن است. اگر کسی بدون علاقه به این رشته وارد شود، با مشکلات زیادی روبرو می‌شود».

مسائل اقتصادی مهم‌ترین مسئله‌ای است که اکثر دانش‌آموختگان بدان اشاره داشته‌اند. اگر چه ممکن است مشکلات اقتصادی برای نومعلمان دختر مسئله مهمی نباشد، اما برای نومعلمان پسری که می‌خواهند تشکیل خانواده دهند و مسئولیت یک خانواده را برعهده داشته باشند، یکی از مهم‌ترین مسائل حرفه معلمی محسوب می‌شود. وقتی شغل معلمی نتواند تمام نیازهای شخصی خانوادگی و اجتماعی معلمان را تأمین سازد، آن‌گاه معلمان به فکر شغل دوم یا داشتن شغلی غیر از معلمی سوق می‌یابند. همین دغدغه مالی و معیشتی شغل معلمی است که برخی دانش‌آموختگان پسر را حتی در دوران دانشجویی به فراگیری یک مهارت شغلی و حتی اشتغال در یک شغل غیر از معلمی وامی‌دارد. این مسئله به‌خصوص در شهرهای بزرگ تبدیل به یکی از بغرنج‌ترین مسائل معلمی شده‌است؛ به‌طوری که معلمی را برای بسیاری از معلمان به شغل دوم و حتی سوم تبدیل کرده‌است.

۲-۴- مسئله اجتماعی: یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که دانش‌جو معلمان برای حرفه معلمی بیان کرده‌اند، مسائل اجتماعی است. دانش‌آموختگان رشته معلمی مسائل اجتماعی مرتبط با معلمی را با این مفاهیم توصیف کرده‌اند: تنزل جایگاه و منزلت اجتماعی، تصور نامطلوب جامعه، بی‌توجهی خانواده‌ها، عدم حمایت اجتماعی و قضاوت‌های ناعادلانه.

برای مثال پاسخگوی شماره ۲ در مورد تنزل جایگاه و منزلت معلمی چنین بیان می‌کند: «یکی از آسیب‌هایی که امروزه به‌عنوان بار روانی بر روی معلمان فشار وارد می‌آورد، کاهش جایگاه شغلی آنهاست که هم از سوی جامعه و مدیران جامعه و دولت مورد کاهش قرار گرفته و هم از سوی خانواده‌ها». نمونه شماره ۱۰ درباره تصور نامطلوب جامعه از معلمی این چنین اظهار می‌کند: «عده‌ای از مردم جامعه معتقدند که معلمان همیشه در حال شکایت کردن هستند؛ در صورتی که بهترین شغل را با کمترین سختی دارند و تابستان‌ها و عید و تعطیلات رسمی تعطیل هستند و حقوق خوبی با شرایط کاری خوبی دارند، مردم اغلب معتقدند که معلمان به اندازه‌ای که اعتراض می‌کنند شایسته اعتراض کردن نیستند و باید راضی باشند!» در مورد عدم حمایت جامعه از حرفه معلمی نمونه شماره ۶ این‌گونه بیان می‌دارد: «آن‌طور که باید و شاید به حرفه معلمی و زحمات معلمان توجه نمی‌شود» و در مورد قضاوت‌های ناعادلانه نسبت به معلمی نمونه شماره ۱۰ این‌گونه اظهار می‌کند «اطرافیان من اکثراً تصور می‌کنند که شغل معلمی شغل بسیار آسانی است که همه می‌توانند انجام دهند. این عدم تطابق نگرش افرادی که خارج از این حیطه هستند و مایی که به نحوی داخل این حوزه در حال فعالیت هستیم یک حالت ناامیدانه و دلسردکننده به انسان می‌دهد و گاهی اوقات تصور می‌کنم که خیلی از افراد ما را درک نمی‌کنند و مورد قضاوت‌ها و ناداوری‌های بی‌رحمانه بسیاری قرار می‌گیریم که لایق خیلی از این قضاوت‌ها نیستیم» و در نهایت نمونه شماره ۱۳ درباره این بی‌توجهی‌ها و بی‌مهری‌ها نسبت به معلمی بیان می‌کند: «بی‌مهری‌های صورت گرفته به جامعه نحیف معلمان هم از طرف خواص و هم عوام، کمی مرا دلسرد کرده و ترس آن دارم که مسائلی این چنین موجب فاصله گرفتن من از آن تصویر آرمانی شود».

وقتی دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان با بی‌توجهی جامعه و اطرافیان به شغل

معلمی مواجه می‌شود، با وجود تحصیلات دانشگاهی و فراگیری مهارت‌های معلمی دچار خودپنداره شغلی ضعیفی می‌شوند که باعث کاهش اعتماد به نفس آنها در شغل معلمی می‌شود. همچنین انگیزه و رضایت شغلی آنها کاهش می‌یابد و دیگر همچون گذشته به شغل معلمی افتخار نمی‌کنند. این مسئله به خصوص در میان دانش‌آموختگان دختر و حتی پسر که با رتبه‌های خیلی خوب و عالی وارد دانشگاه فرهنگیان شده‌اند و با همین رتبه‌ها می‌توانستند در دانشگاه‌های بهتر و رشته‌های پرمقتضای تحصیل کنند، بسیار ناامیدکننده و دلسردکننده خواهد بود؛ به طوری که برخی آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم از ورود به حرفه معلمی ابراز نارضایتی و پشیمانی می‌کنند.

۳-۴- مسئله روانی: از مسائل و مشکلات دیگری که دانش‌آموختگان در مصاحبه‌هایشان از حرفه معلمی بیان نموده‌اند، مسائل روانی است. دانش‌آموختگان رشته معلمی، مسائل روانی را با این مفاهیم و اصطلاحات توصیف کرده‌اند: اضطراب و استرس، فشار روانی، دلهره و نگرانی و خستگی روحی و روانی.

برای مثال پاسخگوی شماره ۱۱ اضطراب و استرس خودش برای معلمی را این‌گونه بیان می‌کند: «اینکه نتوانم آینده‌های کشورم را در مسیر درست هدایت کنم، کمی مرا نگران می‌کند و اضطرابی نسبت به شغل معلمی در من ایجاد می‌کند». نمونه شماره ۹ دلیل استرس و اضطراب خود را این‌گونه اظهار می‌کند: «از طرفی مقداری هیجان و شاید استرس نسبت به اینکه نتوانم از پس این مسئولیت خطیر بریایم، در من رخنه کرده‌است. چون این موقعیت برای آدم درون‌گرایی چون من ممکن است کمی دشوار به نظر برسد. از طرف دیگر ممکن است در سال‌های اولیه تدریس به دلیل نداشتن دانش یا تجربه کافی مرتکب اشتباهاتی شوم». نمونه شماره ۲ در مورد فشارهای روانی که در شغل معلمی وجود دارد، این‌گونه روایت می‌کند: «یکی از آسیب‌های شغل معلمی فشار روانی و اضطراب بر روی معلمان هست؛ چراکه به عنوان یک معلم در جامعه افراد انتظارات بسیار بالاتری از یک فردی که معلم هست دارند». نمونه شماره ۳ نیز درباره فشار روانی حرفه معلمی در مدرسه این‌گونه بیان می‌کند: «از مشکلات و آسیب‌های شغل معلمی می‌توان آسیب‌های روانی از جمله اضطراب و استرس ناشی از کنترل عملکرد دانش‌آموزان و عدم فعالیت آنان در تدریس و نداشتن انگیزه در یادگیری و همچنین مسائل عصبی و روانی دیگری مانند تکرار مطالب،

برقراری و ایجاد نظم در کلاس، مواجهه با دانش‌آموزان پرتحرک و مشکل‌ساز و .. را بیان کرد». روایت شماره ۱۸ نگرانی خودش در مورد ایفای درست نقش معلمی را این‌گونه اظهار می‌دارد: «اما از این که دوران کارآموزی ما شرایط حضوری نداشته و تجربه خوبی در این زمینه برایم شکل نگرفته، کمی احساس نگرانی دارم». نمونه شماره ۱۶ نیز دلهره و ترسش از معلمی را اینگونه روایت می‌کند: «از این جهت اندکی ترس دارم که در ابتدای راه سختی‌های زیادی وجود دارد تا در این حرفه کمی تجربه بیاورم و سختی‌های اول راه را به خوبی بگذرانم».

همان‌طور که از روایت‌های دانش‌آموختگان مشخص است یکی از دلایل اضطراب و استرس دانش‌آموختگان در شروع حرفه معلمی، احساس مسئولیت و اهمیت زیادی است که برای شغل معلمی قائلند. برخی از آنها نگرانند که نتوانند از عهده مسئولیتی که به آنها سپرده شده است برآیند. دلیل دیگر این نگرانی و اضطراب احساس عدم آمادگی برای شغل معلمی است. آنان تصور می‌کنند که هنوز برای شغل معلمی آمادگی لازم را ندارند و نیازمند کسب مهارت‌های بیشتری هستند. به‌خصوص اینکه نمونه‌های مورد بررسی در طی دو سال اخیر نتوانسته‌اند به‌طور کامل دوره‌های عملی و کارورزی را به‌شکل حضوری در مدارس بگذرانند و اعتماد به نفس و آمادگی لازم برای حضور در کلاس را ندانند. بنابراین استرس و اضطراب ناشی از مسئولیت‌پذیری رسمی و عدم آمادگی در حرفه معلمی ممکن است عملکرد شغلی آنان در کلاس درس را تحت تأثیر قرار دهد. این اضطراب و استرس به نظر می‌رسد برای دختران دانشجو بیشتر از پسران باشد؛ زیرا این قشر از دانش‌آموختگان در دوران زندگی خود مسئولیت‌های اجتماعی کمتری را بر عهده گرفته‌اند و این شاید اولین تجربه مسئولیت رسمی برای آنان باشد. بنابراین حمایت‌ها و پشتیبانی‌های آموزشی و مشاوره‌ای بعد از فارغ‌التحصیلی برای این بخش از نومعلمان ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۴- مسائل آموزشی: مسائل آموزشی نظام تعلیم و تربیت از دیگر مسائلی است که دانش‌آموختگان به آن اشاره کرده‌اند. نمونه‌های مورد بررسی، مسائل آموزشی را با این مفاهیم و اصطلاحات بیان کرده‌اند: کمبود امکانات آموزشی، محدودیت ارتقای شغلی، ناتوانی در ارتباط با دانش‌آموزان، تدریس دروس غیرمرتبط، مشکلات عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان، کمبود زمان و نداشتن تجربه و مهارت کافی معلمی.

برای نمونه پاسخگوی شماره ۸ در مورد کمبود امکانات و منابع آموزشی این‌گونه اظهار می‌دارد: «در شغل معلمی برای بهبود کیفیت تدریس دستیابی به منابع متعدد و کافی لازم است که متأسفانه در اغلب مدارس ما دستیابی به این منابع امکان‌پذیر نیست و معلمان با کمبود منابع مواجهند». نمونه شماره ۴ نیز در مورد محدودیت ارتقای شغلی در حرفه معلمی این‌چنین بیان می‌کند «تلاش‌ها و توانایی‌های معلمان در پیشرفت شغلی آنها چندان تأثیرگذار نیست و این تا حدودی باعث می‌شود بسیاری از آنان برای ارتقا خودشان دلسرد شوند». به همین دلیل است که نمونه شماره ۸ معلمی را تنها سکوی پرتاب خود برای موقعیت‌های بالاتر می‌داند: «یکی از مشکلات معلمی نداشتن ارتقا و رشد شغلی است. در واقع من این شغل را مانند یک سکو برای رسیدن به خواسته‌های بالاتر و جایگاه‌های بزرگ‌تری در زندگی می‌بینم و نمی‌توانم خودم را صرفاً محدود به این شغل کنم». نمونه شماره ۹ در مورد یکنواختی شغل معلمی بیان می‌کند: «اما زمانی که به یکنواخت بودن این شغل که باید حدود ۲۶ سال آینده را در مدرسه و در کنار دانش‌آموزان بگذرانم فکر می‌کنم، احساس خوبی ندارم». روایت شماره ۲ در مورد سختی ارتباط با دانش‌آموزان متعدد این‌گونه عنوان می‌کند: «از مشکلات دیگر سروکار داشتن یک معلم با دانش‌آموزان زیادی هست که هر کدام از این دانش‌آموزان با یکدیگر تفاوت‌های فردی دارند که یک معلم باید بتواند خودش را با آنها وفق دهد؛ یعنی خودش را باید با فرهنگ‌های مختلفی که دانش‌آموزان از خانواده‌های خودشان به مدرسه می‌آورند ارتباط برقرار کند». نمونه شماره ۷ در مورد تدریس دروس تخصصی برای معلمان تازه‌کار این‌گونه بیان می‌کند: «یکی دیگر از مشکلاتی که برای معلم‌های تازه‌کار وجود دارد این است که برخلاف رشته‌ای که آموزش دیده‌اند، به آنها درسی برای تدریس ارائه می‌دهند که این اصلاً منصفانه نیست». در مورد مسائل و مشکلات عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان نمونه ۴ این‌گونه اظهار می‌دارد: «اگر معلمی مخصوصاً در بین بانوان با دانش‌آموزان ارتباط قوی بگیرد و آنها به‌واسطه اعتمادشان به معلم خود مشکلاتشان را با او در میان بگذارند، می‌تواند معلم را به لحاظ احساسی تحت تأثیر قرار داده و اگر کاری از دست او بر نیاید، او را آشفته کند». نمونه شماره ۸ نیز درباره مشکلات ارتباط با دانش‌آموزان این‌گونه عنوان می‌کند: «از دیگر مشکلات شغل معلمی مواجهه معلمان با مشکلات عاطفی و روانی

دانش‌آموزانشان است که باید تلاش کنند آن را مدیریت کنند». در مورد مشکل مدیریت زمان در تدریس نمونه شماره ۵ این‌گونه روایت می‌کند: «معلم‌ها با افراد مختلفی که توانایی یادگیری متفاوتی دارند، مواجه هستند و تعداد دانش‌آموزان بالاست و فرصت کمتری برای توجه به تک‌تک افراد را دارند». نمونه شماره ۵ در مورد نداشتن تجربه و مهارت معلمی این‌گونه می‌گوید: «معلم‌های جدید در انتخاب بهترین روش تدریس با مشکل مواجهند و اینکه برای همه دانش‌آموزان یک روش تدریس مناسبی داشته باشند بسیار کار دشواری است».

نبود امکانات و منابع آموزشی کافی در مدارس موجب دل‌سردی و ناخشنودی نومعلمان در حرفه معلمی خواهد شد. همچنین محدودیت ارتقا و پیشرفت شغلی در حرفه معلمی باعث کاهش احساس تعلق و تعهد به حرفه معلمی و نظام تعلیم و تربیت می‌شود. در سال‌های اولیه معلمی ارتباط با دانش‌آموزان متعدد- که برخی از آنان دارای مشکلات عاطفی و تحصیلی هستند- ممکن است برای نومعلمان بسیار سنگین و طاقت‌فرسا باشد و فشار روحی و روانی زیادی به آنها وارد سازد؛ به طوری که به فرسودگی و خستگی روحی روانی معلمان منجر می‌شود. در سال‌های ابتدایی خدمت نومعلمان در مدارس، آنها هنوز از تجربه و مهارت کافی در مقابل چالش‌ها و مسائل کلاس‌های درس و فضای مدرسه را ندارند. بنابراین نومعلمان در ارتباط با دانش‌آموزان، مدیریت کلاس‌های درس و انتخاب شیوه تدریس و مدیریت زمان با مشکلات و مسائل متعددی مواجه خواهند شد. حمایت و پشتیبانی‌های حرفه‌ای و آموزشی معلمان با تجربه و راهنما از نومعلمان و ارتباط و بهره‌گیری از توصیه‌ها و پیشنهادها استادان دانشگاه تا حد زیادی این مشکلات را کمتر خواهد کرد.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی ادراکات دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل و مشکلات حرفه معلمی نگاشته شده است. شناسایی مسائل و مشکلاتی که دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از حرفه معلمی بیان می‌کنند، درک و فهم عمیق و دقیقی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های این تازه‌معلمان در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تربیت معلم و کارگزاران تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. شناسایی و اطلاع

از این مسائل باعث برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌هایی صحیح‌تر خواهد شد و به تبع آن مانع از بی‌علاقگی و نارضایتی نومعلم‌ان از حرفهٔ معلمي شود. بنابراین مسئلهٔ این مقاله ادراکات و تجربیات دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان از مسائل حرفهٔ معلمي است. بدین ترتیب این مقاله در پی پاسخ به این سؤال بود که: دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان چه ادراکی از مسائل و مشکلات معلمي دارند؟

در پی پاسخ به سؤال طرح‌شده نظرات و دیدگاه‌های ۱۹ نفر از دانش‌آموختگان سال ۱۴۰۱ دانشگاه فرهنگیان البرز دربارهٔ مسائل و مشکلات حرفهٔ معلمي جمع‌آوری شد. پس از جمع‌آوری و پالایش اطلاعات، مصاحبه‌های گردآوری‌شده به متن‌های نوشتاری تبدیل شدند. در ادامه مصاحبه‌های پیاده‌شده کدگذاری شد و در نهایت کدهای استخراج‌شده در ۴ مضمون مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل روانی و مسائل آموزشی دسته‌بندی شدند.

مهم‌ترین و پرتکرارین مسئله‌ای که نمونه‌های مورد بررسی بدان اشاره داشتند، مسئلهٔ اقتصادی بود. مسائلی همچون درآمد و حقوق کم، مشکلات معیشتی، نداشتن مزایا و تسهیلات مناسب مسائلی بود که تقریباً همهٔ دانشجو معلم‌ان بدان اشاره کردند. یافته‌های پژوهش این پژوهش نتایج پژوهش معیدفر و ذهانی (۱۳۸۴) را تأیید می‌کند. مسئلهٔ اقتصادی معلم‌ان موضوعی نیست که به راحتی نادیده گرفته شود. امروزه بسیاری از معلم‌ان در شهرهای بزرگ به دلیل مشکلات مالی و معیشتی به فعالیت‌ها و مشاغل روی می‌آورند که با حرفهٔ معلمي سنخیتی ندارد. بنابراین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانش‌آموختگان معلمي و به خصوص آقایان مسئلهٔ اقتصادی است. به همین دلیل است که برخی از دانشجو معلم‌ان در دوران تحصیل به فکر یا به دنبال شغلی غیر از معلمي هستند تا بتوانند مشکلات معیشتی و اقتصادی آیندهٔ خود را در حرفهٔ معلمي تقلیل دهند. اشتغال به فعالیت اقتصادی غیر از حرفهٔ معلمي می‌تواند به شدت حرفهٔ معلمي آنان را تحت تأثیر قرار دهد و معلمي را به شغل دوم و حاشیه‌ای یک معلم تبدیل سازد.

مسئلهٔ مهم دیگری که تازه معلم‌ان به عنوان مشکلات و مسائل حرفهٔ معلمي عنوان کرده‌اند، مسئلهٔ اجتماعی است. مسائلی همچون تنزل منزلت اجتماعی معلم‌ان در بین دانش‌آموزان خانواده‌ها و جامعه، قضاوت‌های ناعادلانه و غیرمنصفانه، نبود حمایت اجتماعی از معلم‌ان و تصورات نامطلوب جامعه به معلمي مسائلی بود که نمونه‌های

بررسی شده بدان اشاره کردند. برخی از آنان دمی گفتند معلمان جایگاه و منزلت پیشین خود را در جامعه از دست داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نتایج پژوهش مهدیان و همکاران (۱۳۹۸) و شریف و همکاران (۱۳۹۹) را تأیید می‌کند. بسیاری از مردم معلمی را حرفه‌ای ساده و راحتی می‌دانند که هر تحصیل‌کرده دانشگاهی می‌تواند از عهده آن برآید. با وجود آنکه معلمی به‌طور رسمی شغلی مهم، تأثیرگذار، الگو و سرنوشت‌ساز تبلیغ می‌شود، ولی حمایت عملی و قابل قبولی از این حرفه دیده نمی‌شود و به‌طور غیررسمی معلمان را افرادی می‌دانند که تعطیلات زیادی دارند و لایق حقوق دریافتی نمی‌دانند. به همین دلیل است که برخی از دانش‌آموختگان معلمی علاقه‌ای به معلم نامیده شدن ندارند و این حرفه را افتخاری برای خود نمی‌دانند.

مسئله بعدی دیگری که دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان بدان اشاره کردند، مسائل روانی حرفه معلمی است. مسائلی همچون استرس و اضطراب، فشار روانی، نگرانی و دلهره و خستگی روحی و روانی نمونه‌هایی از این مشکلات هستند. برعهده گرفتن مسئولیت رسمی تربیت و آموزش دانش‌آموزان برای برخی از تازه‌معلمان استرس‌زا و اضطراب‌آفرین است. بسیاری از آنها تا پیش از معلم شدن تجربه چنین مسئولیت رسمی را نداشتند و شاید این اولین تجربه مسئولیت رسمی در جایگاه معلمی است. انتظاراتی که جامعه، دانش‌آموزان و والدین و کادر مدرسه از معلمی دارند، برای تازه‌معلمان قدری ناآشنا و دلهره‌آور است. برخی از آنها احساس می‌کنند هنوز برای معلمی آمادگی و مهارت‌های لازم را ندارند. قرارگرفتن در چنین وضعیتی می‌تواند دلهره‌آور همراه با ترس و نگرانی باشد. سال‌های آغازین معلمی برای نومعلمان قدری اضطراب‌زا و همراه با استرس و فشار روانی است. سازگاری با محیط و فضای آموزشی جدید، ارتباط با همکاران و تدریس در کلاس درس به دلیل کم‌تجربگی و مهارت ناکافی می‌تواند فشار روانی زیادی را بر تازه‌معلمان تحمیل کند. ارتباط، همکاری و مشورت با معلمان راهنما و باتجربه و نیز تعامل، حمایت و توصیه‌های حرفه‌ای و روان‌شناسانه استادان دانشگاه به نومعلمان می‌تواند از بار روانی آنها بکاهد.

مسئله مهم دیگری که نومعلمان بدان تأکید داشتند، مسئله آموزشی است. مسائلی مانند کمبود امکانات و فضای آموزشی مناسب، محدودیت ارتقا و پیشرفت حرفه‌ای، ارتباط با تعداد زیادی از دانش‌آموزان، مدیریت زمان و کلاس، روش تدریس مسائلی

بود که دانش‌آموختگان بدانها اشاره می‌کردند. این بخش از یافته‌ها، نتایج پژوهش رضایی (۱۳۹۱) را تأیید می‌کند. نبود امکانات آموزشی و محدودیت‌های ارتقا و تحرک شغلی بسیاری از تازه‌معلمان را نسبت به حرفه معلمی دلسرد و ناامید می‌کند. برخی از آنها نسبت به آینده شغلی خود در آموزش و پرورش دیدگاه خوش‌بینانه و امیدوارکننده‌ای نداشتند و این حرفه را فاقد تحرک شغلی می‌دانند که مانعی در جهت ارتقا و پیشرفت فردی و اجتماعی آنهاست. کمبود امکانات و فضاهای آموزشی، اشتیاق و علاقه‌مندی آنها برای خلاقیت و نوآوری‌های آموزشی را کاهش می‌دهد. ارتباط و تعامل با تعداد زیادی از دانش‌آموزان که برخی از آنها مشکلات آموزشی و انضباطی دارند، نیز موجب خستگی روحی و روانی و در نهایت فرسودگی شغلی آنها می‌شود. کم‌تجربگی و نداشتن مهارت‌های لازم برای مدیریت کلاس و زمان و نیز به‌کارگیری روش‌های تدریس از اعتماد به نفس آنها در معلمی می‌کاهد که به نوعی نارضایتی و ناخشنودی شغلی را به همراه دارد. به‌طور کلی نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است.

باتوجه به اینکه یکی از مهم‌ترین وظایف نظام تعلیم و تربیت رسمی و در ذیل آن دانشگاه فرهنگیان، طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب و تربیت و نگه‌داشت معلمان در آموزش و پرورش است. به نظر می‌رسد باوجود اینکه برنامه‌ها و سیاست‌های امیدوارکننده‌ای برای جذب و آموزش و تربیت معلمان در دانشگاه فرهنگیان اجرا شده، اما برنامه‌ریزی و سیاست روشن و مؤثری برای حفظ، نگه‌داشت و ارتقای معلمان طراحی و تدوین نشده است. اگرچه نمی‌توان در سطح خرد در مسائل اقتصادی و اجتماعی حرفه معلمی مداخلات زیادی کرد و رفع و تخفیف این مسائل نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی و فرهنگی است، اما با برنامه‌ریزی و طراحی برخی از سیاست‌های سازمانی و آموزشی می‌توان تا حد زیادی در کاهش و تقلیل برخی از مسائل روانی و آموزشی نومعلمان مداخلات اثربخشی داشت. مجموعه دانشگاه فرهنگیان باید پس از اتمام تحصیلات حرفه‌ای و تخصصی دانشجویان، ارتباط و تعامل مستمر و مؤثری با دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان داشته باشد و فعالیت‌ها و مسائل آموزشی تربیتی نومعلمان در نظام تعلیم و تربیت را رصد و نظارت کند. درنظر گرفتن خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های روان‌شناسی و حرفه‌ای می‌تواند تا

حدی مسائل روانی و آموزشی تازه معلمان را تقلیل دهد و مانع پیامدها و آسیب‌های احتمالی این مسائل باشد.

۶- منابع

- ابراهیمی، ایوب؛ زین آبادی، حسن رضا؛ هداوندی، محمدرضا (۱۳۹۷). «مطالعه کیفی عوامل مؤثر در میل به ماندگاری دانش‌جو معلمان دانشگاه فرهنگیان در وزارت آموزش و پرورش؛ مطالعه موردی استان تهران»، فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، سال ۶، ش ۱۷: ۱۲۱-۱۴۶.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شریف، سعیده، غفوری، آرزو، صالحی، کیوان (۱۳۹۹). «واکاوی مسائل شغلی معلمان آموزش و پرورش»، فصلنامه پژوهش در تربیت معلم، دوره ۳، ش ۲: ۳۹-۶۸.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۶). تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهقان، داریوش (۱۳۷۶). تربیت معلم تعریفی نو برای آسیای نوین. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۹). هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله یابی تا نگارش، تهران: انتشارات آگاه.
- رووف، علی (۱۳۷۹). جنبش جهانی برای به‌سازی تربیت معلم، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- رضایی، منیره (۱۳۹۱). «بررسی مسائل حرفه‌ای ادراک‌شده از سوی معلمان با سوابق خدمتی متفاوت در نظام آموزشی ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۴ سال ۱۱: ۱۱۹-۱۳۹.
- فیلیک، اووه (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات نی.

کرسول، جان (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش*، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار.

محمدی اصل، عباس (۱۳۹۶). *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی تهران*: نشر ورجاوند.

محمدی، فردین؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ کرامی، مهدی و خالق پناه، کمال (۱۳۹۸). «سیر نزولی عادت‌واره نهادی معلمان: مطالعه موردی معلمان دوره

متوسطه دوم شهر مشهد»، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۳): ۹-۳۸.

محمدپور، ابراهیم؛ حیدری، الناز و جمشیدی، سمانه (۱۳۹۸). «بررسی روند

علاقه‌مندی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان به حرفه معلمی»،

فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم، سال ۴، ش ۳: ۱۴-۲۹.

معیدفر، سعید و ذهانی، قربانعلی (۱۳۸۴) «بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و

عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱: ۱۳۵-

۱۵۰.

مهدیان، سمیه (۱۳۹۶) *بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت*

اجتماعی‌شان: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ش

۳۸: ۱۹-۳۷.

Giroux, H. (1985). *Teachers as intellectuals: Toward a Critical Pedagogy of Learning*, New York: Bergin & Garvey .

Lincoln, Y. S. and Guba, E. G. (1985) *Naturalistic Inquiry*. London; SAGE .

Ingwalson, G. Thompson, J. (2007). A table of two year-first teachers, one likely to continue, one likely to drupe out. *Middle School Journal*, 39(2), 43-49 .

Rochkind, J. Ott, A. Immerwahr, J. Doble, J. Johnson, J. (2007). *Lessons Learned: new teachers talk about their jobs, challenges, and long-range plans. A report from the national comprehensive center for teacher quality and public agenda* .

Romano, M. Gibson, P. (2006). *Beginning teacher successes and struggles: An elementary teacher's reflection on the first year of teaching*. *Professional educator*, 28(1)1-16.

